

مهندسی فرهنگ اقتصاد در تمدن مهدوی (با تأکید بر اصل قناعت و مساوات)

خدا مراد سلیمیان^۱

امیرعباس خسروی^۲

چکیده

از برجسته‌ترین مشکلات جامعه پیشاظهار، مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم بر اثر نابرابری و فزون خواهی است و در برابر آن، یکی از اقدامات بنیادین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی موعود بر پایه سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام، اصلاح این امور و حل مشکلات اقتصادی است.

جستار پیشی رو تلاشی است در بازنمایی نقش رفاه اقتصادی در شکل‌گیری تمدن مهدوی با تأکید بر پایه دو اصل قناعت و مساوات. برای این بازنمایی تبیین «مشکلات و بحران‌های اقتصادی»، «فساد در نظام اقتصادی حاکم» و «آمادگی اذهان عمومی برای جایگزینی نظام اقتصادی کارآمد»؛ از بایسته‌هایی است که باید بدان توجه کرد.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته و نتایج تحلیل و ترکیب داده‌های گردآوری شده، گویای آن است که «بهبود وضعیت معیشتی با محوریت دو اصل قناعت و مساوات»، «برکات زمینی و آسمانی»، «فزونی مشروع اموال» و «ریشه‌کن شدن فقر و تنگدستی» از ابعاد برجسته پیشرفت اقتصادی در جامعه متمدن مهدوی است. نکته برجسته در این پژوهش، آن است که تأثیر رفاه اقتصادی بر رشد و تعالی معنوی جامعه متمدن مهدوی غیر قابل انکار است.

واژگان کلیدی: رفاه اقتصادی، تمدن مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عصر ظهور، مساوات، قناعت.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران. kh.salimian@isca.ac.ir

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) 17khosravi@gmail.com

مقدمه

«تمدن» که در لغت به معنای: شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود^۱ است؛ در اصطلاح به سطحی پیشرفته از زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود که در عرصه‌های دین، فرهنگ، دانش و اقتصاد به رشد و تعالی رسیده باشد. رسیدن به چنین جامعه‌ای، همواره هدف نظام اجتماعی بالنده و از آرزوهای اصلاح‌گران و خیرخواهان اجتماعی بوده است. هدفی که پیامبران الهی، به‌ویژه در راه رسیدن به آن گام برداشته و برخی از آن‌ها، همچون حضرت یوسف علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام به بخشی از آن رسیده‌اند.^۲ ناگزیر این هدف آرمانی، زمانی به نتیجه خواهد رسید که در تمدنی فراگیر بروز و ظهور یابد. چنین تمدن فراگیر و جهان‌شمولی به وسیله دین مقدس اسلام به عنوان دین کامل و به دست منجی موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل خواهد گرفت.

جامعه شایستگان - که همواره در آموزه‌های وحیانی بدان بشارت داده شده است^۳ - در آخرالزمان تحقق خواهد یافت. این جامعه که به والاترین گونه ممکن، تمدنی فاخر و جهانی را شکل خواهد داد، بر پایه آموزه‌های اسلامی به پیشوایی آخرین حجت الهی امری ناگزیر و حتمی می‌نماید.^۴

البته جامعه متمدن مهدوی، در بسترهای گوناگونی به رشد و بالندگی خواهد رسید که یکی از آن‌ها مسئله اقتصاد است. آنچه از روایات عصر ظهور به دست می‌آید، این است که در آن دوران، جامعه یگانه بشری تشکیل می‌شود که مانند یک خانواده زندگی می‌کنند، و تقسیم جوامع به غنی و فقیر و توسعه یافته، از بین می‌رود و بشر به طور فراگیر به رفاه اقتصادی و بی‌نیازی دست

۱. عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲. یوسف: ۹۹ و بقره: ۱۰۲.

۳. انبیاء: ۱۰۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

می‌یابد؛ آن‌گونه که پیش از آن هرگز تحقق نیافته بود و همین، زمینه بنیادین رشد و تعالی معنوی و فکری انسان‌ها را فراهم می‌سازد.

بر این اساس، همه فعالیت‌های یکایک افراد جامعه در تمدن مهدوی در جهت رشد معنوی و نزدیکی انسان به خداوند متعال شکل خواهد گرفت. اگر حکومت در پی فراهم کردن رفاه اقتصادی یا برپایی عدالت و امنیت باشد؛ هدفش حرکت مردم به سوی کمال و مانع‌زدایی از این مسیر است و هیچ‌یک از این موارد که حتی از شاخصه‌های تمدن مهدوی به شمار می‌رود، به خودی خود ارزش و اعتباری نخواهد داشت.

به دیگر سخن، تمدن اسلامی در عصر ظهور دارای یک جسم و کالبد و یک روح و روان است. کالبد آن، کلیه دستاوردهای مادی و رفاهی است و روح تمدن اسلامی نیز مجموعه‌ای از عقاید، باورها و آموزه‌هایی است که به رفتار و شیوه زندگی آنان شکل می‌دهد.^۱ منظور از مبانی ارزشی تمدن اسلامی، همین باورهاست که هدف نظام‌های تمدنی است و هر فعالیت‌هایی در جامعه متمدن اسلامی برای تحقق این مبانی ارزشی جهت‌دهی خواهد شد.

پیش از هر سخن بایسته است تعریفی اگرچه کوتاه از رفاه اقتصادی ارائه گردد. واژه «رفه» و «رفاه» در منابع لغوی به معنای مرفه شدن، آسایش و آرامش بخشیدن به زندگی و برخورداری از امکانات مادی است؛^۲ اما در جوامع امروزی تعریف مشخصی برای رفاه اقتصادی در دست نیست؛ چراکه هرگاه شاخصه‌ای برای رفاه تعریف شده است، پس از مدتی ملاحظه می‌شود که با وجود رشد آن شاخصه (مثلاً تولید ناخالص ملی) همچنان رفاه اقتصادی محقق نشده است. به همین دلیل تعاریف و شاخصه‌های پرشماری برای رفاه بیان شده است؛ اما می‌توان گفت معنای اصلاحی رفاه اقتصادی، برخورداری از امکانات مادی و نعمت‌های دنیایی است. اصطلاحاً کشوری را که مردم آن از لحاظ اقتصادی بی‌نیاز باشند و انواع امکانات در اختیارشان باشد، آن مردم را مرفه اقتصادی می‌دانند.

۱. عرفان، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۸۷.

۲. دهخدا، لغت نامه، ج ۷، ص ۱۰۷۰۶. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۴۳.

جایگاه اقتصاد در جامعه متمدن و تاثیر آن بر رشد و تعالی جامعه

اشاره شد یکی از امور ناگزیر جامعه متمدن، «رشد و رفاه اقتصادی» است. جامعه متمدن جامعه‌ای است که در همه زمینه‌ها از جمله اقتصاد دارای عزت و استقلال کامل و به بیگانه هیچ وابستگی نداشته باشد.

در تمدن اسلامی نیز رفاه اقتصادی و برخورداری از مواهب مادی جایگاه برجسته و کارسازی دارد؛ چرا که همین رفاه و بی‌نیازی اقتصادی هنگامی که در پرتو رهبری الهی باشد، بستر را برای رشد و تعالی معنوی و فکری انسان فراهم می‌کند. فقر و نیازمندی روزانه به غذا، لباس، مسکن، دارو و... آسایش و فراغت را از بین می‌برد و زمینه رشد و تکامل معنوی او را نیز نابود می‌کند. انسانی که همواره در اندیشه سیرکردن شکم و پوشیدن بدن و دستیابی به مسکن و... باشد، فرصتی ندارد تا به مفاهیم برتر زندگی بیندیشد و برای رشد و تعالی معنوی برنامه‌ریزی کند؛ همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در فرمایشی به همین نکته اشاره کرده، فقر و تهیدستی را از زمینه‌های کفر و انکار خداوند دانسته است.^۱

این پندار که در دین اسلام برخورداری از مواهب مادی و دنیایی جایگاهی ندارد و به همین دلیل تمدن اسلامی در این بستر رشد و نمو چندانی نخواهد داشت؛ انگاره نادرست و نسنجیده‌ای است؛ چرا که خداوند متعال در قرآن کریم به روشنی بیان کرده که انسان‌ها را در زندگی توانمند گردانده و برای آن‌ها توشه‌ها نهاده است.^۲ همچنین در جایی به مردمان تأکید کرده از امور دنیایی و بهره‌های مادی آن غافل نباشید.^۳ در جایی دیگر که با اشاره به این‌که خداوند انسان‌ها را از زمین آفرید و در آن زندگانی قرار داد؛ آبادانی را از آنان خواست؛^۴ به این مهم اشاره کرده است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۴.

۲. اعراف: ۱۰.

۳. قصص: ۷۷.

۴. هود: ۶۱.

بر پایه این آیات، به روشنی می‌توان به این نتیجه رسید که برخورداری از موهبت‌های مادی و دنیایی به خودی خود، نه فقط امری ناپسند نیست، بلکه از بایسته‌های زندگی دنیایی و زمینی و یکی از شاخصه‌های جامعه متمدن و پیشرفته اسلامی است.

بررسی رفاه اقتصادی در عصر ظهور (تمدن مهدوی)

در باره رفاه اقتصادی در دوران ظهور، روایات پرشماری در دست است و می‌توان گفت از جمله مسائلی است که تأکید فراوانی بر آن شده است و این برجستگی مسئله و نقش آن در ساختن جامعه پیشرفته و متمدن مهدوی را نشان می‌دهد. شاید پس از اصل بنیادین عدالت، رفاه اقتصادی دومین اصلی باشد که در آن عصر نورانی بدان اهتمام خواهد شد.

آنچه از مطالعه و بررسی روایاتی که عصر ظهور را ترسیم کرده‌اند به دست می‌آید، این که در دولت حضرت، زمینه رفاه و آسایش کامل اقتصادی فراهم شده و همه امکانات در اختیار مردم قرار می‌گیرد و امت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چنان مواهبی برخوردار می‌شوند که مثلاً آن گونه از نعمت‌ها برخوردار نبوده‌اند.^۱

برخورداری از نعمت‌ها و برکت‌های زمینی و آسمانی پروردگار، فزونی اموال، بهبود وضعیت معیشتی و از بین رفتن فقر و تنگدستی از ابعاد گوناگون اقتصادی آن دوران است که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. بهبود معیشت مردم با محوریت اصل قناعت

یکی از برجسته‌ترین دگرگونی‌های در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهبود وضع معیشتی و اقتصادی مردم است. توجه به اوضاع اقتصادی و معیشتی امت اسلامی در دوران پیش از ظهور اهمیت این مسئله را روشن می‌سازد: دورانی که از لحاظ اقتصادی عموم مردم، با فاصله‌گرفتن از آموزه‌های دینی و یاد خداوند، در زندگی سختی به سر خواهند برد.^۲

۱. ابن ماجه قزوینی، سنن، ح ۴۰۸۳ و علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۳، ص ۲۵۷.

۲. طه: ۱۲۴.

در نگرش نخست، به نظر می‌رسد جوامع انسانی رو به رفاه و آسایش می‌روند؛ اما بخش‌های زیادی در لایه‌های آشکار و پنهان جامعه، همچنان با فقر و ناداری دست به گریبان هستند.^۱ بی‌گمان وضعیت اسفناک اقتصادی و اجتماعی دوران پیش از ظهور، وضعیت دورانی است که نظام فاسد اقتصادی حاکم بر جهان به چپاول و استثمار مردم مشغول و باعث فقر، بیکاری از سویی و تجمل‌گرایی از سوی دیگر شده است؛ اما در دولت مهدوی با هدایت‌های رهبری قدسی و با اتکا بر علم لدنی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم سبک زندگی درست را پیدا و از فقر و بیکاری نجات پیدا می‌کنند.

در جامعه‌ای که قناعت به عنوان اصل پذیرفته شده باشد، مردم در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد. از این رو، یکی از برجسته‌ترین مسائلی که به رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نهادینه خواهد گشت، اصل «قناعت» است؛ چرا که اگر قناعت نباشد، طمع و حرص جایگزین آن خواهد شد^۲ و این، همان چیزی است که در جوامع امروزی قابل مشاهده است. امروزه به روشنی دیده می‌شود مردم به دلیل طمع و چشم‌وهم‌چشمی زندگی خود را به سختی انداخته و آرامش را از خود سلب کرده‌اند. اگر قناعت، اصلی پذیرفته شده باشد، بسیاری از خرج‌های غیرضروری از بین رفته و مردم برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی همچون حقد و کینه زندگی را برای خود سخت نمی‌کنند. در روایت است چون مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند حقد و کینه از میان انسان‌ها رخت بریندد.^۳

فراوانی ثروت و دارایی در حکومت مهدوی، افزون بر افزایش اقتدار دولت اسلامی و فراهم آوردن رفاه اقتصادی، زمینه ریشه‌کن شدن بسیاری از مشکلات اجتماعی را مهیا خواهد کرد. در دولتی که همگان به اندازه نیاز به اموال دسترسی داشته باشند، بخشی از ناهنجاری‌های اخلاقی مانند دزدی، حتی خونریزی و قتل و غارت که با هدف به دست آوردن اموال صورت

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۰، ح ۵.

۲. منسوب به امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصباح الشریعة، ص ۲۰۲.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

می‌گرفته است، ریشه‌کن خواهد شد؛ چراکه هر اندازه مالی که نیاز داشته باشد از طرف حضرت به او داده خواهد شد.

این، همان نکته‌ای است که امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در حکمتی بدان اشارت فرمود:

مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْعَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ حَفْصَ الدَّعَةِ وَ [الدَّعَةُ] الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ النَّصَبِ وَ مَطِيئَةُ التَّعَبِ؛ هرکس به اندازه‌ای که او را کفایت می‌کند قناعت کند، به آسایش و نظم می‌رسد و در آسودگی و رفاه جای می‌گیرد؛ ولی طمع کلید رنج و سختی و مرکب ناراحتی است.^۱

در کنار این ثروت و دارایی، روحیه قناعت است که مردمان با فروکاستن از آرزوهای مادی و خواسته‌های فزاینده دنیوی به استغنای روحی دست می‌یابند. بالارفتن ظرفیت‌های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین‌آوردن سطح خواسته‌های گوناگون و بی‌پایان مادی و غریزی، در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی و مواردی از این دست، از نشانه‌های غنای روحی و معنوی‌اند که با رشد خردورزی در عصر ظهور به گونه‌ای کامل پدید خواهد آمد و به شکل‌گیری هر چه بهتر عدالت کمک می‌کند.^۲

بر این پایه، در دولت مهدوی با مهندسی فرهنگ اقتصاد، اصل قناعت نهادینه خواهد شد و مردم در پرتو راهنمایی‌های حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ التَّوْبَاتُ به سبک زندگی اسلامی خواهند رسید. همان گونه که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ... وَ كُنْتُمْ مَوْتِنَةَ الطَّلَبِ وَ التَّعَسُّفِ وَ نَبَذْتُمْ الثِّقْلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ؛^۳ بدانید اگر شما از منجی شرق [= مهدی]، پیروی کنید، شما را به روش پیامبر در می‌آورد تا از رنج طلب و سختی [برای دستیابی به وسایل زندگی] آسوده باشید و بار سنگین

۱. شریف رضی، نهج البلاغة، ص ۵۴.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۶.

[زندگی] را از شانه هایتان بر زمین نهد.

در این روایت، امام صادق علیه السلام به این نکته برجسته اشاره می‌فرماید که در دولت مهدوی سبک زندگی اسلامی (مَنَاهِجِ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) اجرا خواهد شد و مردم بار سنگین زندگی را زمین خواهند گذاشت، و این مهم با محوریت اصل قناعت به وقوع خواهد پیوست. در جامعه‌ای که قناعت اصلی تثبیت شده باشد، مردم برای تأمین نیازهای زندگی خود را به سختی و دشواری نمی‌اندازند و بدون احساس کمبود، با آرامش زندگی خواهند کرد؛ همان‌گونه که حضرت در ضمن روایتی که در مورد رضایت از روزی خداوند صحبت می‌کنند، به نقل از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقَنَاعَةُ مُلْكٌ لَا يَزُول»^۱

بنابراین، یکی از پندارهای نادرست در باره رفاه اقتصادی در تمدن مهدوی این است که مردم در دولت حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى به موجب فراوانی نعمت و اموالی که به آن‌ها خواهد رسید، می‌توانند به هرمقدار و هر سبکی که بخواهند خرج کنند و از آن اموال هرگونه اراده کنند، بهره ببرند، و گمانشان این است که در آن زمان کاستی‌ها و کمبودهایی که امروزه در زندگی خود احساس می‌کنند، رفع خواهد شد. این، درحالی است که نه فقط بهبود وضع معیشت با مهندسی فرهنگ اقتصاد و محوریت اصل قناعت صورت می‌پذیرد، و انسان‌ها احساس بی‌نیازی می‌کنند؛^۲ بلکه (همان‌طور که خواهد آمد) فزونی نعمت‌ها و برکات آسمانی در پی تقوای الهی و بسط فرهنگ عبودیت خواهد بود

۲. کاربست اصل تمدنی مساوات

مساوات و برابری با ابعاد و زمینه‌های گوناگونی در آموزه‌های اسلام آمده و در آیات و روایات فراوانی به این اصل مهم تاکید و جوانب آن روشن شده است. این امر نشان دهنده اهمیت این موضوع در پیشبرد اهداف اسلام و نقش آن در تمدن جدید اسلامی می‌باشد. به همین دلیل،

۱. منسوب به جعفر بن محمد، امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۲۰۳.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷ و مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، باب ۸، ص ۲۱۹.

یکی از مهم ترین برنامه های دولت مهدوی اجرای اصل مساوات و برابری بین مسلمان ها است، همان گونه که امام باقر علیه السلام ضمن روایتی در مورد احوال عصر ظهور، به این مهم نیز اشاره کرده است و می فرماید: «زمانی که قائم ما قیام کند، [مال را] به صورت مساوی تقسیم و عدالت را در میان رعیت اجرا می کند.»^۱

اصل مساوات در دین اسلام دارای ابعاد و زمینه های گوناگونی است که از جمله آن ها می توان به «مساوات در نظام تکوین و آفرینش»^۲ «مساوات در برابر قانون»^۳ «مساوات در بهره برداری از مواهب طبیعی»^۴ اشاره کرد؛ اما در این گفتار «مساوات اقتصادی در عصر ظهور» که با موضوع فصل مرتبط است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

برای برپایی همه جانبه مساوات در جامعه اسلامی اجرای آن توسط حکومت به تنهایی کافی نیست و علاوه بر آن به همیاری همگانی نیاز است. از این روست که در بسیاری از روایات، مساوات به عنوانی یکی از تکالیف شخصی بر عهده مسلمین قرار داده شده است. به همین دلیل، در این بخش به بررسی هر دو جنبه می پردازیم: وظیفه حکومت برای برپایی مساوات، و نقش آحاد مسلمین در شکل گیری آن.

امام باقر علیه السلام در خلال روشن کردن اوضاع معیشتی مردم در عصر ظهور می فرماید:

وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُتَحَايِئًا إِلَى الزَّكَاةِ؛^۵ اموال به تساوی به دست مردم خواهد رسید تا آن جا که فردی دیده نخواهد شد که محتاج زکات باشد.

بی سابقه بودن چنین رویدادی، باور آن را برای مردم مشکل خواهد کرد. فقر، نیازمندی، بی عدالتی و اختلاف طبقاتی که یکی از اساسی ترین مشکلات جامعه بشری تا آن دوران بوده و از پس حل آن برنیامده اند؛ حال توسط دولت مهدوی از بین رفته و عدالت اقتصادی و برابری بین

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۷.

۲. حجرات: ۴۹.

۳. شیخ مفید، الإختصاص، ص ۳۴۱.

۴. بقره: ۲۲.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

اقتشار گوناگون جایگزین آن شده است. این، یکی از همان مسائل ناشناخته‌ای است که امیرالمومنین علیه السلام در مورد عصر ظهور فرموده‌اند: «أَلَا وَفِي غَدِّ وَ سَيَّئَاتِي غَدِّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ»^۱ و یکی از ابعاد همان دستورالعمل جدیدی است که طبق روایات توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آورده می‌شود و موجب شگفتی مردم خواهد شد.^۲

وظیفه حکومت در برپایی مساوات

بی‌گمان در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف عدالت به فراگیری کامل خواهد رسید که یکی از برجسته‌ترین ابعاد آن «عدالت اقتصادی» است. به طور کلی می‌توان گفت، عدالت اقتصادی به معنای توزیع عادلانه و برابر امکانات مادی و درآمدهای بیت المال، و نیز استفاده درست از منابع طبیعی است، که از برجسته‌ترین شاخصه‌های تمدن مهدوی و از بارزترین ویژگی‌های دولت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که در روایات پر شماری در وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف این تعبیر وارد شده است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»^۳ واژه «قسط» بیش‌تر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود که در این زمینه هیچ‌گونه تبعیضی نباشد (در مقابل جور). رعایت قسط دارای جایگاه خاصی در حکومت اسلامی است؛ به عنوان نمونه در اسلام باید بیت المال به طور مساوی در بین مستضعفان و نیازمندان توزیع گردد؛ همان‌گونه که شیوه امام علی علیه السلام چنین بوده است.^۴

در دولت حضرت مهدی نیز قسط و برابری جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت، در آن دوران همه در استفاده از بیت المال، مواهب طبیعی، معادن و ... مساوی و برابر خواهند بود و از بخشش‌های الهی و نعمت‌های مادی به طور مساوی استفاده خواهند کرد و بیت المال برای همگان به طور

۱. محمد شریف الرضی، نهج البلاغة، ص ۱۹۶.

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۲۳۱.

۳. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۶۲۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵ و محمد بن ابراهیم

ابن ابي زينب، الغيبة، ص ۸۱.

۴. کارگر، آینده جهان، ص ۳۴۹.

یکسان مصرف خواهد شد. همان‌گونه که رسول‌گرامی اسلام در وصف امام دوازدهم می‌فرماید: « [مهدی] مال را علی السویه تقسیم می‌کند و قلوب امت پیامبر ﷺ از غنا پر می‌شود و عدل او گسترش می‌یابد...»^۱

از روایاتی که در باب مساوات و عدالت اقتصادی در عصر ظهور وارد شده است، برداشت می‌شود که اموال بیت المال و دارایی‌های عمومی که همه افراد جامعه در مقابل آن برابرنند، به صورت مساوی بین همگان تقسیم می‌شود و تبعیضی در بهره‌مندی از آن وجود ندارد؛ می‌توان با نگاهی دقیق‌تر به روایاتی که در صدد بیان عدالت اقتصادی و اجتماعی در عصر ظهور هستند، به این برداشت رسید که در تمدن مهدوی امتیازات و اجرت‌ها نیز به صورت عادلانه و بر پایه عدل و قسط به افراد داده می‌شود و تبعیضی صورت نمی‌گیرد؛ به عکس آنچه در دنیای کنونی دیده می‌شود. پس روشن است که اگر کسی بر اثر تلاش بیش‌تر به سرمایه بیش‌تری رسید خلاف عدالت اقتصادی نیست.

پس یکی از زیرشاخه‌های مدیریت فرهنگ اقتصاد توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرای اصل مساوات است؛ به‌گونه‌ای که با اجرای کامل آن فقر و نیازمندی از بین رفته و دیگر کسی که به زکات احتیاج داشته باشد، پیدا نمی‌شود.^۲

بنابراین مساوات و برابری همگانی در کل کره زمین یکی از مسائل جدیدی است^۳ که توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تمدن مهدوی برپاشده و با توجه به بی‌سابقه بودن آن موجب شگفتی مردم خواهد شد.

همیاری آحاد جامعه در اجرای مساوات

از بایسته‌های اساسی برپایی مساوات بین افراد جامعه، همیاری همه مردم و مشارکت همگانی

۱. علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمتن فی التعریف بالفتن، ص ۳۲۲.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲؛ ص ۳۹۰.

۳. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۷۳.

بر پایه مواسات و همدلی در نهادینه‌سازی این اصل است. به همین دلیل در تمدن مهدوی نیز مردم نقش بنیادینی در به وقوع پیوستن این مهم در جامعه خواهند داشت؛ چرا که اگر این اصل برای افراد یک جامعه تبدیل به دغدغه نشده باشد؛ تلاش یک حکومت برای برپایی همه جانبه آن بی نتیجه خواهد بود.

در تعالیم اسلام نقش مردم برای ایجاد مساوات و همیاری اجتماعی در سه جنبه تبیین شده است:

نخست این که شماری از روایات، ثروتمندان را به مشارکت با تهیدستان و نیازمندان فراخوانده و بینوایان را شریک اغنیا به حساب آورده است.^۱ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خدای متعال، ثروتمندان و بینوایان را در اموال شریک قرار داد، پس ثروتمندان حق ندارند به غیر شریکانشان بدهند...»^۲؛ یعنی بریزند و بپاشند و خود در مصرف زیاده‌روی کنند. امام علی علیه السلام نیز در چند روایت به لزوم مشارکت دادن فقرا در زندگی اشاره فرموده است.^۳

با توجه به این روایات، یکی از اصول پیشرفت اقتصادی و از بین رفتن محرومیت در جامعه مشارکت ثروتمندان با تهیدستان است، حتی اگر این مشارکت به پرداخت خمس و زکات محدود باشد، تأثیرات ویژه‌ای در کم‌شدن محرومیت در جامعه خواهد داشت؛ اما آنچه از ظاهر این روایات فهمیده می‌شود، این است که افزون بر خمس و زکات، دستگیری از محرومان و صدقات مستحب باید مورد توجه مسلمانان قرار گیرد؛ به اندازه‌ای که ثروتمندان فقرا را شریک در اموال خود قرار دهند و این امر، بر نگرش و طرز فکر ویژه‌ای مبتنی است که جز با تعالیم صحیح و ترویج سبک زندگی اسلامی توسط دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه محقق نخواهد شد.

دیگر اینکه در دسته‌ای از روایات همیاری اجتماعی و دستگیری از دیگر مسلمین به عنوان

۱. حکیمی، عصرزندگی، ص ۱۵۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۴۵.

۳. همان، ج ۷، ص ۴۷.

تکلیفی واجب بر عهده مسلمانان قرار داده شده و بر آن تأکید گشته است؛ تا آن جا که در کلامی امام صادق علیه السلام مواسات اخوان را یکی از امتحانات شیعیان می‌شمارند^۱ و امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «به من ایمان نیاورده است کسی که شب سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه است.»^۲ این دو روایت و روایات بسیار دیگری که در این زمینه وارد شده^۳ نشان دهنده اهمیت این مسئله است. دستگیری از نیازمندان و مدد رسانی به آنان از مهم‌ترین عوامل برپایی مساوات و عدالت اقتصادی است. در جامعه‌ای که مردم از احوال نزدیکان و اقوام و حتی همسایه و آشنای خویش مطلع و به دنبال حل مشکلات آنان باشند، بسیاری از معضلات و مسائل توسط خود مردم حل و فصل خواهد شد.

امام باقر علیه السلام در جواب این کلام راوی که شیعیان شما در شهرهای ما فراوانند، می‌فرماید:

فَهَلْ يَعْطِفُ الْعَنِيَّ عَلَى الْفَقِيرِ وَ هَلْ يَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَنِ الْمُسِيءِ وَ يَتَوَاسُونَ فَقُلْتُ لَا
 فَقَالَ لَيْسَ هُوَ لِأَيِّ شَيْعَةٍ . الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا؛^۴ آیا بی‌نیازان آنان به حال بینوایان
 توجه می‌کنند و آیا نیکوکاران از خطاکاران چشم می‌پوشند؟ و در اموالشان به
 مواسات رفتار می‌کنند؟ گفتم: نه [چنین نیست]. امام گفت: اینان شیعه نیستند؛
 شیعه کسی است که چنین کند.

سوم این که در شماری از روایات «مساوات مسلمین» به عنوان یک آرمان مطرح شده است؛ چراکه برپایی چنین اصلی در جامعه نه فقط در بعد مادی، بلکه در بعد معنوی نیز موجب پیشرفت و تعالی خواهد بود. جامعه‌ای که بهره‌افراد از امکانات مادی همسان و برابر باشد، مرز داشتن‌ها و نداشتن‌ها از میان رفته و همگان به اندازه نیاز و خواسته خویش از امکانات موجود بهره‌برداری می‌کنند و هیچ‌کس نه فقط مانع استفاده دیگری از آن نخواهد شد، بلکه در بهره‌مندی از آن نیز با رعایت اصل مواسات به یکدیگر یاری می‌رسانند. به همین دلیل ذهن

۱. ابن بابویه، الخصال، ج ۱؛ ص ۱۰۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۶.

۳. همان، ص ۳۶۷.

۴. همان، ص ۱۶۹.

مردم از این مسائل آزاد گشته و به مسائل بالاتری می‌اندیشند. در همین زمینه رشد عقلی و معنوی انسان به اندازه‌ای خواهد رسید که هدف اصلی از آفرینش را شناخته و در راه آن تلاش خواهد کرد.

روایات دیگری نیز با این مضامین نقل شده است که به روشنی بر جایگاه ویژه نقش همیاری مردم در تحقق عدالت اقتصادی و برپایی مساوات در جامعه دلالت دارد؛ اما به وقوع پیوستن کامل این امر جز با تعالیم درست و ترویج سبک زندگی اسلامی توسط دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح ممکن نخواهد بود. همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در روایتی تحقق این امر را به زمان حضور مهدی علیه السلام مربوط می‌داند:

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَذَكَرَ مُوَاسَاةَ الرَّجُلِ لِإِخْوَانِهِ وَ مَا يَجِبُ لَهُمْ عَلَيْهِ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ عَرَفْتُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ «إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَ أَنْ يُقَوُّوهُمْ»^۱ اسحاق بن عمار می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم، او از مواسات مردم با یکدیگر، و حقی که هرکسی بر دیگری دارد، سخن گفت. من سخت در شگفت شدم، فرمود: «این، هنگام رستاخیز قائم ماست، که در آن روزگار، واجب همگانی است که به یکدیگر وسایل رسانند و نیرو بخشند.»

در روایت دیگری آمده است:

قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَ اتَّبَعُوكَ فَقَالَ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ لَا قَالَ فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَجْلُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ فِي هُدًى تَنَاقَحَهُمْ [تَنَاقَحُهُمْ] وَ تَوَارَثَهُمْ [تَوَارَثَهُمْ] وَ يَقِيمُ [تَقِيمُ] عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ وَ تَوَدَّى [تُوَدِّي] أَمَانَاتِهِمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَايَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَنْعَعُهُ»^۲ شیعیان به امام باقر علیه السلام عرض کردند: ما در کوفه گروه بسیاری هستیم. اگر شما فرمان دهی، همه فرمان

۱. حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۱۱۳.

برند و از شما پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «آیا چنین هست که یکی از این گروه بیاید و آنچه نیاز دارد، از جیب برادرش بردارد؟» گفتند: نه. فرمود: «پس این گروه [که در راه دادن مال به یکدیگر این گونه بخل می‌ورزند] برای دادن خون خویش [در راه اصلاح جامعه] بخیل‌تر خواهند بود. مردم هم اکنون آسوده‌اند، [که در حال توقف حرکت تربیتی اسلام به سر می‌برند] از مردم همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم؛ از یکدیگر ارث می‌بریم؛ حدود را برآنان اقامه می‌کنیم؛ امانتشان را باز می‌گردانیم [یعنی زندگی مردم در همین حد است و نه کاملاً اسلامی] اما با قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آنچه هست، دوستی و یگانگی است تا آن جا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب برادرش بدون هیچ مانعتی برمی‌دارد.»^۱

تحقق کامل روایاتی که در مورد مواسات که نتیجه آن، یعنی برابری بین مسلمین و همکاری و مدرسانی آنان به یکدیگر سخن گفته است؛ مخصوص زمان ظهور و حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. البته این، بدان معنا نیست که قبل از آن زمان این روایات موضوعی ندارند و لازم نیست به آنان عمل شود. بلکه امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقابل شگفتی سائل از چگونگی به وقوع پیوستن چنین مساواتی، فرمودند زمان برپایی کامل چنین مسئله‌ای در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

از مطالبی که ذکر شد، می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از زیرمجموعه‌های مدیریت فرهنگ اقتصادی توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپایی اصل مساوات و برابری در جامعه است که بخشی از آن توسط دولت و بخشی توسط مردم تحت تعالیم مهدوی با همیاری یکدیگر محقق خواهد شد و رشد و تعالی معنوی جامعه را در پی خواهد داشت.

برکات زمینی و آسمانی

بی‌گمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومتی با پشتوانه الهی است؛ حکومتی که مردم

۱. مفید، الاختصاص، ص ۲۴.

تحت رهبری قدسی امام معصوم علیه السلام به اطاعت خدا روی می‌آوردند و به فرمان‌های حجت خدا گردن می‌نهند. در چنین جامعه‌ای که مردم به تقوا و اطاعت خداوند روی آورده باشند، خداوند نیز برکت‌ها و نعمت‌های خویش را بر آنان سرازیر می‌کند،^۱

آنچه از روایات عصر ظهور به دست می‌آید، این است که در دولت مهدوی برکات زمینی و آسمانی برای مردم نازل می‌شود،^۲ زمین‌ها حاصل‌خیز گشته،^۳ و کشاورزی شکوفا می‌گردد و هر بذری محصولی دوچندان یا بیش‌تر می‌دهد؛ حتی طبق شماری از روایات، از هر سنبلی صد دانه به عمل می‌آید.^۴ مردم در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد؛ به گونه‌ای که کسی تا به حال به آن صورت زندگی نکرده باشد!^۵ باران‌های پی در پی شروع به باریدن کرده و زمین و اهلش را زنده می‌کند.^۶

برکات زمینی به حاصل‌خیز شدن زمین‌های کشاورزی منحصر نمی‌شود، بلکه در آن دوران گنج‌ها و معادن زمین نیز استخراج می‌شوند؛^۷ چراکه ایجاد رفاه برای کل جامعه بشری کار ساده‌ای نیست و سرمایه‌های کلان و عظیمی لازم دارد.

در شماری از روایات، اظهار معادن زیرزمینی به خدا نسبت داده شده است: «يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا.»^۸ می‌تواند منظور از روایات این باشد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با تکیه بر علم لدنی معادن زمین را برای مردم آشکار می‌کند و از همه ظرفیت‌های زمینی استفاده می‌شود. چرا که مانع اصلی امروز برای به اکتشاف کامل معادن و منابع زیرزمینی نداشتن دانش و

۱. اعراف: ۹۶.

۲. مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. یزدی حائری، إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۲.

۴. همان.

۵. اربلی، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۹۶۸.

۶. استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۶۳۸.

۷. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۴.

۸. همان.

اطلاعات کافی است که این نقصان در دوران ظهور از بین می رود و دولت مهدوی با دانش و آگاهی کامل منابع و معادن زیرزمینی را کشف می کند و مردم، این منابع را مورد استفاده قرار خواهند داد.^۱

به صورت خلاصه باید گفت در تمدن مهدوی در کنار قناعت و مساوات، یکی از ابعاد رفاه اقتصادی برکات زمینی و آسمانی است تا جایی که در روایتی نبی مکرم اسلام ﷺ از بیان این که در عصر ظهور باران های فراوان شروع به باریدن می کنند و زمین پربرکت خواهد شد، می فرمایند امت من در آن زمان به گونه ای زندگی می کنند که هرگز مانند آن زندگی نکرده اند: «عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ قَطُّ»^۲ و این که حضرت پس از برکات زمینی و باران های آسمانی این تعبیر را به کار برده است، نشان از تاثیر و اهمیت این موضوع بر تأمین رفاه اقتصادی دارد. و همه این ها به فزونی ثروت و سرمایه منجر خواهد شد.

امروزه ثروت و دارایی یکی از مؤلفه های قدرت در هر کشور به شمار می آید. کشوری که توان کافی برای اداره امور خویش را نداشته و برای تأمین منابع مالی به بیگانه وابسته باشد، نمی تواند خود را در زمره کشورهای قدرتمند و پیشرفته بداند. چنین کشور وابسته ای هیچ گاه نمی تواند به آرمان های خود دست یابد و به کشوری متمدن تبدیل شود.

برجسته ترین مانع جوامع امروزی برای پیشرفت اقتصادی و رسیدن به ثروت و دارایی، نبود شناخت و دانش کافی و سلطه و استثمار کشورهای استعمارگر است که با برنامه ریزی های دقیق خود مانع هرگونه خودبستگی و رشد تولید و پیشرفت اقتصادی دیگر کشورها شده اند؛ در حالی که پس از ظهور منجی عالم و با تشکیل دولت مهدوی، امت اسلامی تحت رهبری امام معصوم علیه السلام قرار می گیرد؛ رهبری که به پشتوانه علم لدنی و با بینشی سیاسی بدون خطا و اشتباه حکومت خواهد کرد. در چنین دولتی همه راه های تولید ثروت و اموال فراهم و همه معادن و منابع زمینی کشف و استخراج خواهد شد.

۱. علی بن موسی بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۶، ح ۱۷۶.

۲. همان، ص ۳۲۲، ح ۴۶۴.

از سوی دیگر، حضرت دست چپاولگران و سلطه‌گران اقتصادی را قطع می‌کند و اجازه خواهد داد همه مردم آزادانه برای پیشرفت اقتصادی تلاش کنند.

در پی این اقدامات ثروت و دارایی فزونی می‌یابد و نیازها و احتیاجات مردم به راحتی برطرف خواهد شد. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در روایتی که اوضاع جامعه پس از ظهور را تبیین می‌کنند؛ می‌فرمایند: «وقتی مردی نزد مهدی می‌آید و از او تقاضای مال می‌کند ایشان لباس او را پر می‌کند؛ به گونه‌ای که توانایی حمل آن را نخواهد داشت.»^۱

فراوانی ثروت و دارایی در حکومت مهدوی، افزون بر این‌که سبب توانمندتر شدن دولت اسلامی و رفاه اقتصادی می‌شود، بستر را برای ریشه‌کن شدن بسیاری از مشکلات اجتماعی فراهم خواهد کرد. در دولتی که همه افراد به اندازه کافی به اموال دسترسی داشته باشند، بخشی از ناهنجاری‌های اخلاقی، مانند دزدی یا حتی خونریزی و کشتار و چپاول مال دیگران که با هدف به دست آوردن اموال صورت می‌گرفته است؛ ریشه‌کن خواهد شد؛ چراکه هراندازه مالی که نیاز داشته باشد از طرف حضرت به او داده خواهد شد.^۲

در این جا یادآوری دو نکته بایسته می‌نماید:

نخست اینکه روایاتی که به فزونی اموال و نعمت‌ها در دولت مهدوی اشاره دارند؛ به این معنا نیست که مردم به هر کیفیتی که بخواهند، می‌توانند از این اموال استفاده کنند و همانند جوامع امروزی به اسراف و تجمل‌گرایی و تشریفات رو بیاورند، بلکه همان‌طور که بیان شد، برجسته‌ترین اقدام حضرت، مهندسی فرهنگ اقتصاد و تغییر سبک زندگی مردم است. در دولت مهدوی گرچه ثروت و دارایی فراوان است؛ با نهادینه شدن اصل قناعت، مردم به درستی از آن‌ها استفاده می‌کنند و این ازدیاد نعمت موجب تجمل‌گرایی و اسراف نخواهد شد.

دیگر این‌که گرچه در روایات عصر ظهور به پرداخت مال فراوان به مردم توسط حکومت اشاره شده است؛ این، بدان معنا نیست که مردم کار نکنند و با پولی که دولت به آن‌ها می‌پردازد،

۱. ابن حنبل، أحادیث المهدي ﷺ من مسند أحمد بن حنبل، ص ۵۹.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۷.

زندگی کنند؛ چرا که طبیعی است اگر در حکومتی مردم به مشاغل گوناگون مشغول نشوند، نیازهای اولیه جامعه برآورده نمی شود و جامعه به اجتماعی عقب مانده تبدیل می شود و این با پیشرفت در دولت مهدوی و ساخت جامعه متمدن منافات دارد. به همین سبب، باید بگوییم منظور از روایات، افراد نیازمند هستند که به دولت مراجعه و درخواست پول می کنند و یا روایات به شرایط خاص و ویژه ای اشاره دارد.

نتیجه

از مطالب طرح شده می توان به این نتیجه رسید که اقتصاد از مؤلفه های برجسته جامعه متمدن است. به همین سبب در دولت مهدوی نیز پیشرفت و رفاه اقتصادی نقش برجسته ای در تشکیل جامعه متمدن مهدوی داشته و موجب رشد و تعالی جامعه خواهد شد.

در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشرفت هایی در ابعاد گوناگون اقتصادی رخ خواهد داد، اموال و دارایی به کثرت و فراوانی می رسد، زمین و آسمان برکاتش را بر مردم نازل خواهد کرد و در پی آن، فقر و تنگدستی از بین مردم رخت بر بسته و وضع معیشتی جامعه بهبود خواهد یافت؛ اما این رخ دادها محقق نخواهد شد، مگر با قناعت، مواسات، مساوات و همت و تلاش همگانی و تغییر فرهنگ و سبک زندگی مردم که به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با مهندسی فرهنگ اقتصاد صورت خواهد گرفت.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، **أحاديث المهدي** عليه السلام من مسند أحمد بن حنبل، قم، مؤسسة النشر الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن طاووس علی بن موسی، **التشريف بالمنن في التعريف بالفتن**، قم، مؤسسه فرهنگي صاحب الامر، ۱۴۱۶ ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی، **كشف الغمة في معرفة الأئمة**؛ قم، الشریف الرضی، ۱۴۲۱ ق.
۴. استرآبادی، علی، **تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة**، قم، مؤسسه النشر الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
۵. حائری یزدی، شیخ علی، **إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب**؛ تحقیق: السید علی عاشور؛ بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۲ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ ق.
۷. حکیمی، محمد، **عصر زندگی**، حوزه علمیه قم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۴.
۸. دهخدا، علی اکبر، **تهران، لغت نامه**؛ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۹. الشریف الرضی، محمد بن حسین، قم، **نهج البلاغة** (للسبحة صالح)، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، **کمال الدین وتمام النعمة**، قم، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.
۱۱. طوسی، محمد بن الحسن، **کتاب الغيبة**، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. عیاشی؛ محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**؛ هشت جلد، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. مروزی، نعیم بن حماد، **الفتن**، تحقیق: ابو عبد الله / ایمن محمد محمد عرفه، المكتبة

التوفيقية، بی تا.

۱۶. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چاپ اول، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ش.

۱۷. مفید؛ محمد بن محمد؛ *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، بیروت، دارالمفید،

۱۳۷۲.

۱۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر في اخبار المنتظر*، تحقیق: عبد الفتاح

محمد الحلو، قم، انتشارات نصاب، ۱۴۱۶ ق.

۱۹. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام؛ *مصباح الشريعة*، بیروت، اعلمی،

۱۴۰۰ ق.

۲۰. میرجهانی، سید حسن، *نوائب الدهور في علائم الظهور*، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۷۶.

۲۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ق.

